

پیشخوان

نظری بر یادها و یادمان‌های «امام مجاهدان» از دوران مبارزه

روایت

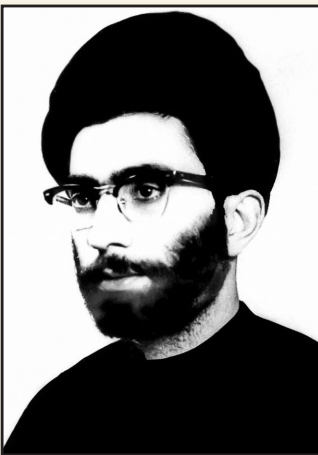
«خون دلی که لعل شد»

■ سمانه صادقی



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، یکی از مهم‌ترین و پرتیراژترین آثاری است که در سبب خاطرات و پیشینه حضرت آیت‌الله

العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای (قده)، نشر یافته و هم‌اینک از چاپ بیستم فراتر رفته است. «خون دلی که لعل شد»، خاطراتی است که معظم له در باب یادمان‌های خویش در دوران پیش از انقلاب اسلامی و به زبان عربی بیان داشته‌اند و انتشارات انقلاب اسلامی، آن را روانه بازار کتاب کرده است. تارنمای ناشر در باب مضمون و محتوای این اثر آورده است: «کتاب حاضر شامل بیان حکمت‌ها، درس‌ها و عبرت‌هایی است که به فراخور بحث‌ها بیان شده و هر کدام از آنها، می‌تواند چرآغ راهی برای آشنایی مخاطب کتاب (به‌ویژه جوانان عزیز) با فجایع رژیم منحوس پهلوی و همچنین سختی‌ها، مرارت‌ها و رنج‌های مبارزان و در مقابل، پیام‌ردی‌ها، مقاومت‌ها، خلوص و ایمان انقلابیون باشد. لازم به ذکر است که این کتاب ابتدا به زبان عربی و با عنوان "لُغٌ مع الضَّرِیْراً" توسط دکتر «محمدعلی آذشب» گردآوری و در بیروت منتشر شده بود و کتاب «خون دلی که لعل شد" ترجمه کتاب مذکور بوده که توسط محمدحسین باتمان‌غلیج به فارسی بازگردانده شده است. نقل خاطرات از قلم معظم له، سبب شده تا این کتاب با دیگر خاطراتی که در زمینه مبارزات قبیل از انقلاب به رشته تحریر درآمده‌اند، متمایز شود. ایشان در این اثر، روزهای کودکی و اشتغال به تحصیل، تا آغاز فعالیت‌های خود به عنوان یک مبارز علیه رژیم طاغوت و سپس درگیری‌ها و دستگیری‌ها را با جزئیات دلچسپی شرح داده‌اند. از دیگر



۴۰ دهه آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای

ویژگی‌های این کتاب، می‌توان به نگارشی به دور از اطبان، خودداری از بیان مطالب غیر مفید، توصیف دقیق و ارائه تصویر جامعی از فضای مبارزه رهبر انقلاب و هم‌زمان پاکیزاشان اشاره کرد. خواننده در این کتاب، علاوه بر آشنایی با دوران تبعید و مبارزات یکی از پیشوایان مبارزه با رژیم ستم‌شاهی، با افکار و زندگی‌نیز آشنا می‌شود. کتاب "خون دلی که لعل شد" برای نخستین بار در زمستان ۱۳۹۷ و توسط انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای قدس سره) چاپ شد که با استقبال بسیار خوب مخاطبان روبه‌رو شده و در حال حاضر با ۲۲ هزار نسخه، چاپ بیستم آن روانه بازار نشر گردیده است...»

در بخشی از این خاطرات خواندنی، چنین می‌خوانیم: «دستگیری من، در اوایل ماه شعبان بود. روزها گذشت و ماه مبارک رمضان نزدیک شد. من شنیدم که رئیس بازجوها، در راهرو رفت‌وآمد می‌کند. وقتی صدای گام‌هایش به سلولم نزدیک شد، صدایش زدم... من می‌دانستم که او مرا آزاد نمی‌کند، اما من خواسته بزرگی از او طلب کردم، تا خواسته کوچک را ببذیرد. فوراً به او گفتم: "بسیار خوب، اجازه بده من یک قرآن داشته باشم" گفت: "اشکالی ندارد. " اجازه داد تا یک قرآن از منزل برایم آوردند. خواندن قرآن در تاریکی، شدیداً ناممکن بود. به نگیهان گفتم: "می‌خواهم قرآن بخوانم؛ در بر برایم کمی باز کن". رفت و اجازه گرفت. اجازه دادند که در به اندازه ساعتیمتیر باز گذاشته شود و همین برای خواندن کافی بود. لذا در ایسن ماه خیلی قرآن خواندم و خیلی هم حفظ کردم. این از فصول شیرین آن دوره از زندان بود...»

هدایت کشور و ملت ایران از سوی امام مجاهدان

در لابه‌لای یادداشت‌نویسی‌های روزانه

کلام «رهبر شهید»

در آینه خاطرات معطر

■ انوشه میرمرعشی

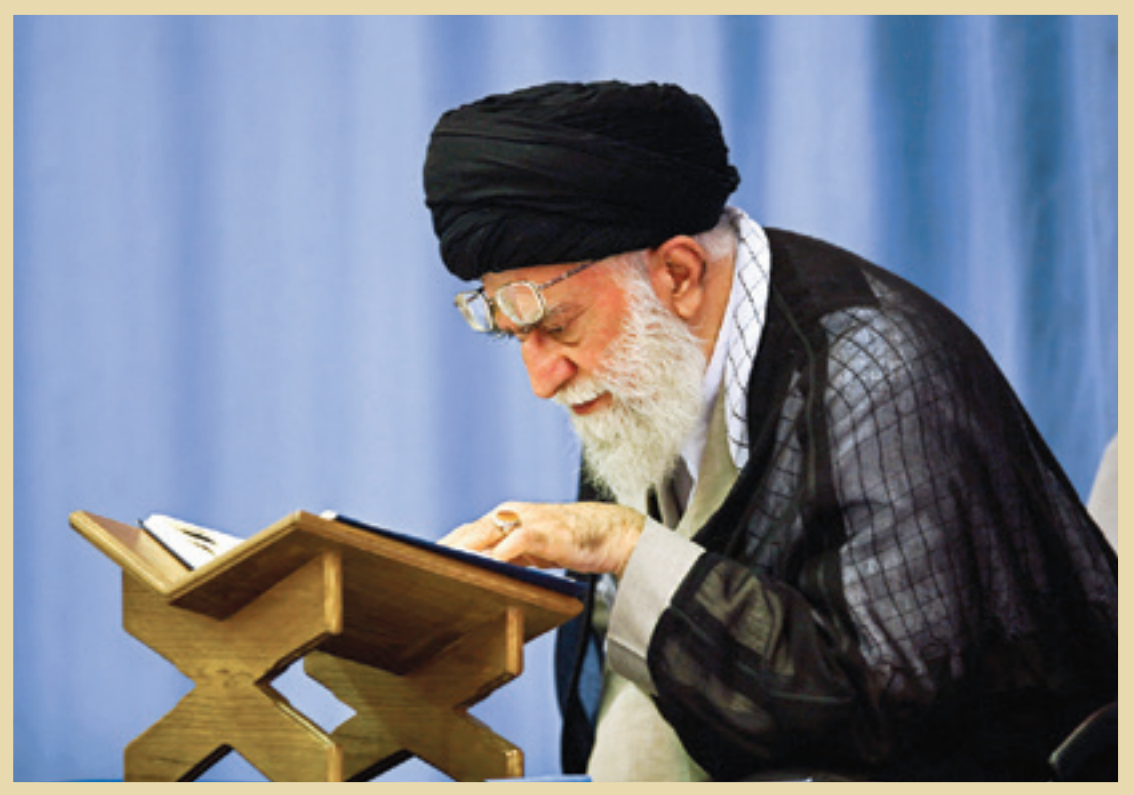
از سال اول دانشجویی، روشم این بود که موقع سخنرانی‌های حضرت آقا در نماز جمعه‌ها، نمازهای عید فطر، سخنرانی روز اول فروردین و سخنرانی‌های ۱۴ خرداد، دفتر چه یادداشت روزانه‌ام را برمی‌داشتم و از سخنانشان نکته‌برداری می‌کردم. این سبست را برای ۲۷ سال و تا موقع شهادتشان، حفظ کردم. البته در سخنرانی و نمازهایی که خودم حضور داشتم؛ زیر نکته‌نویسی‌هایی که از کلام «آقا» داشتم، یادداشت می‌کردم که با چه کسانی به نماز یا جلسه سخنرانی رفته‌ام و احساس و تحلیل‌م را هم از صحبت‌های آن روز رهبری می‌نوشتم. حالا امروز همه دفترهای یادداشت روزانه‌ام، متبرک به کلام حضرت آقااست. ورقشان که می‌زنم، تاریخ زنده‌ای از رهبری بی‌بدیل آن بزرگ در هدایت مردم و کشور به سوی قله‌های معنویت و پیشرفت را می‌بینم. تاریخ زنده‌ای که می‌توان بسا روایتش، نه تنها بسرای ادامه مسیر تا ظهور حضرت حجت (عج)، که برای همه مردم آزاده جهان چسراغ راه برافروخت. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ خدمت به همه زنان جهان

سال مسی بود که روزنامه‌نگاری را شروع کرده بودم و در آن سال‌ها یکی از دغدغه‌های مهم زندگی‌ام، پرداختن به مسائل دختران و زنان و احقاق حقوق این قشر در جامعه بود. کرامت نداشتن دختران و زنان در میان‌بعنی از خانواده‌ها، فرهنگ‌ها و دربار از مجموعه‌ها، خیلی اذیتم می‌کر. البته در همان موقع، تازه وارد عرصه پژوهشگری تاریخ شده بودم و داشتم آهسته آهسته در آن وادی قلم می‌زدم. از آنجا که مسئله «زن» برایم بسیار مهم شده بود، این موضوع در تاریخ معاصر ایران، یک اولویت مهم و اساسی در پژوهش‌های تاریخی‌ام قلمداد می‌شد. روز میلاد حضرت زهرا (س) و به سبست سال‌های دور، حضرت آقا با خانم‌ها دیدار داشت و درباره مسائل زنان صحبت می‌کرد. روز ۱۲ تیر ۱۳۸۶ که مصافق شده بود با میلاد دخت گرامی پیامبر (س)، رهبر حرف‌هایی درباره حقوق زنان و حفظ کرامت آنان در میان خانواده و جامعه زد، که هنوز بعد از سال‌ها شیرینی‌اش را احساس می‌کنم. او همیشه با بزرگی و کرامت از جایگاه و مقام‌زنان یاد می‌کرد و حقوق و نیازهای او را، به رسمیت می‌شناخت. به همین ترتیب نیز باز در آن سخنرانی، از جایگاه رفیع زن در خانواده و جامعه و درگاه الهی تعریف کرد. آن روز بدر مهربان اُمت فرمود: «اگر بخواهیم جلوی مظلومیت زنان را بگیریم؛ این کار فقط در سایه اخلاق و تهذب و تهذیب مردان ممکن می‌شود... بعضی هستند که متدینند؛ ولی از مسائل مربوط به حقوق زن و مرد اطلاعی ندارند. این تدین آنها باعث

تاریخ

تاریخ ۸۵۲۳۰۶۰



در آستان قدس

او در طول سالیان رهبری‌اش، مردم ایران را از مسیری بسیار صعب، مر حله به مر حله عبور داد و به ما آموخت که باید برای پیشرفت چگونه بکوشیم و برای رسیدن به قله و بر پای‌ی تمدن نوین اسلامی و نهایتاً نیل به ظهور؛ چه مسیری را طی نماییم. او پیشوایی بود که هم روحیه دینی و ایمانی را، روز به روز و سال به سال در وجود مردم بیشتر زنده می‌ساخت و هم در ابعاد اداره کشور و حفظ آن از خطرات و انحرافات و نیز رسیدن به اهداف، آحاد مردم را به سوی نقطه تعالی رهنمون می‌شد

و در طول سالیان رهبری‌اش، مردم ایران را از مسیری بسیار صعب، مر حله به مر حله عبور داد و به ما آموخت که باید برای پیشرفت چگونه بکوشیم و برای رسیدن به قله و بر پای‌ی تمدن نوین اسلامی و نهایتاً نیل به ظهور؛ چه مسیری را طی نماییم. او پیشوایی بود که هم روحیه دینی و ایمانی را، روز به روز و سال به سال در وجود مردم بیشتر زنده می‌ساخت و هم در ابعاد اداره کشور و حفظ آن از خطرات و انحرافات و نیز رسیدن به اهداف، آحاد مردم را به سوی نقطه تعالی رهنمون می‌شد

و در طول سالیان رهبری‌اش، مردم ایران را از مسیری بسیار صعب، مر حله به مر حله عبور داد و به ما آموخت که باید برای پیشرفت چگونه بکوشیم و برای رسیدن به قله و بر پای‌ی تمدن نوین اسلامی و نهایتاً نیل به ظهور؛ چه مسیری را طی نماییم. او پیشوایی بود که هم روحیه دینی و ایمانی را، روز به روز و سال به سال در وجود مردم بیشتر زنده می‌ساخت و هم در ابعاد اداره کشور و حفظ آن از خطرات و انحرافات و نیز رسیدن به اهداف، آحاد مردم را به سوی نقطه تعالی رهنمون می‌شد

و در طول سالیان رهبری‌اش، مردم ایران را از مسیری بسیار صعب، مر حله به مر حله عبور داد و به ما آموخت که باید برای پیشرفت چگونه بکوشیم و برای رسیدن به قله و بر پای‌ی تمدن نوین اسلامی و نهایتاً نیل به ظهور؛ چه مسیری را طی نماییم. او پیشوایی بود که هم روحیه دینی و ایمانی را، روز به روز و سال به سال در وجود مردم بیشتر زنده می‌ساخت و هم در ابعاد اداره کشور و حفظ آن از خطرات و انحرافات و نیز رسیدن به اهداف، آحاد مردم را به سوی نقطه تعالی رهنمون می‌شد

با اعتماد و امید و شادابی ملی در این کشور زندگی می‌کنند». آن‌وقت تبیین کرد که دشمن دقیقاً «همین اعتماد مردم» را نشانه گرفته و می‌خواهد که در وجود مردم، شک و تردید نسبت به نظام ایجاد کند. برایمان تکرار کرد: «از دو-سه ماه پیش از این گفتم، که دانما دارند می‌گویند که قرار است در انتخابات قلب شود» و آن فتنه را نقشه دشمن خواند. در آخر خطبه هم فرمودند: «سیدگی به اعتراضات باید از مجرای قانونی باشد؛ من زیر بار بدعت‌های جدید قانونی نمی‌روم؛ این طور باشد، هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت پیدا نخواهد کرد. اگر واقعاً شبهه‌هایی هست، از طریق قانون پیگیری شود». آن روز بعد از خطبه‌ها و قبل از نماز، زیر صفحه‌ای که از صحبت‌های حضرت آقا یادداشت برمی‌داشتم، نوشتم: «فدای صلابت و صداقت؛ دل‌هایمان خنک شد، آتش جگرهایمان خاموش شد. رهبر! خدا تو را برای مانگه دارد». آقا گرا را داده بود؛ دیگر خط را فهمیده بودیم و می‌دانستیم که باید در بحث با معاندین و ضد نظام‌ها و البته درباره جهت‌تغییر در نگاه دشمنان جهان و بعد از خطبه‌ها و قبل از نماز، زیر صفحه‌ای که از صحبت‌های حضرت آقا یادداشت برمی‌داشتم، نوشتم: «فدای صلابت و صداقت؛ دل‌هایمان خنک شد، آتش جگرهایمان خاموش شد. رهبر! خدا تو را برای مانگه دارد». آقا گرا را داده بود؛ دیگر خط را فهمیده بودیم و می‌دانستیم

که باید در بحث با معاندین و ضد نظام‌ها و البته درباره جهت‌تغییر در نگاه دشمنان جهان و بعد از خطبه‌ها و قبل از نماز، زیر صفحه‌ای که از صحبت‌های حضرت آقا یادداشت برمی‌داشتم، نوشتم: «فدای صلابت و صداقت؛ دل‌هایمان خنک شد، آتش جگرهایمان خاموش شد. رهبر! خدا تو را برای مانگه دارد». آقا گرا را داده بود؛ دیگر خط را فهمیده بودیم و می‌دانستیم که باید در بحث با معاندین و ضد نظام‌ها و البته درباره جهت‌تغییر در نگاه دشمنان جهان و بعد از خطبه‌ها و قبل از نماز، زیر صفحه‌ای که از صحبت‌های حضرت آقا یادداشت برمی‌داشتم، نوشتم: «فدای صلابت و صداقت؛ دل‌هایمان خنک شد، آتش جگرهایمان خاموش شد. رهبر! خدا تو را برای مانگه دارد». آقا گرا را داده بود؛ دیگر خط را فهمیده بودیم و می‌دانستیم

که باید در بحث با معاندین و ضد نظام‌ها و البته درباره جهت‌تغییر در نگاه دشمنان جهان و بعد از خطبه‌ها و قبل از نماز، زیر صفحه‌ای که از صحبت‌های حضرت آقا یادداشت برمی‌داشتم، نوشتم: «فدای صلابت و صداقت؛ دل‌هایمان خنک شد، آتش جگرهایمان خاموش شد. رهبر! خدا تو را برای مانگه دارد». آقا گرا را داده بود؛ دیگر خط را فهمیده بودیم و می‌دانستیم

که باید در بحث با معاندین و ضد نظام‌ها و البته درباره جهت‌تغییر در نگاه دشمنان جهان و بعد از خطبه‌ها و قبل از نماز، زیر صفحه‌ای که از صحبت‌های حضرت آقا یادداشت برمی‌داشتم، نوشتم: «فدای صلابت و صداقت؛ دل‌هایمان خنک شد، آتش جگرهایمان خاموش شد. رهبر! خدا تو را برای مانگه دارد». آقا گرا را داده بود؛ دیگر خط را فهمیده بودیم و می‌دانستیم

که باید در بحث با معاندین و ضد نظام‌ها و البته درباره جهت‌تغییر در نگاه دشمنان جهان و بعد از خطبه‌ها و قبل از نماز، زیر صفحه‌ای که از صحبت‌های حضرت آقا یادداشت برمی‌داشتم، نوشتم: «فدای صلابت و صداقت؛ دل‌هایمان خنک شد، آتش جگرهایمان خاموش شد. رهبر! خدا تو را برای مانگه دارد». آقا گرا را داده بود؛ دیگر خط را فهمیده بودیم و می‌دانستیم

■ با مدیر انقلابی کارها جلو می‌رود

نوروز ۱۳۹۶ بود. فضای سیاسی کشور به خاطر انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو، بیش از متعارف سیاسی شده بود. در آن روزها بحث‌های مرسوم به برجام و سبب و گلابی دادن‌هایش، همچنان داغ بود. تازه زمزمه‌های دعوت از شهید سید ابراهیم رئیسی، برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح شده بود. جوانان انقلابی با شوق و به خاطر عملکرد موفق آقای رئیسی در آستان قدس رضوی (ع) و تحول مدیریتی‌اش در آنجا، شدیداً به دنبال نامزدی ایشان در انتخابات بودند. حضرت آقا در پیام نوروزی آن سال فرمود: «هر کجا مدیر انقلابی و پر تحرک داشتیم، کارها جلو رفته است و هر کجا مدیر ضعیف کم تحرک داشتیم، کارها متوقف شده و یا به انحراف رفته است. اگر مدیریت کارآمد، متعهد و پر تحرک باشد، همه مشکلات حل می‌شود».



داده

یک جوهرهایی، حضرت آقا آدرس را داده بود، هر چند که بخش‌هایی از جامعه، در آن روزها حواسش به گراهای رهبر نبود!

روزهای پر از شسور و هیجان نزدیک شدن به انتخابات، یکی پس از دیگری می‌گذشت. شایعات علیه رئیسی مظلوم، به اوج خود رسیده بود. دشمنان خارجی و داخلی به او طعنه می‌زدند، که قاضی اعدام‌های دهه شصت بوده و... ما هم هر چه توان داشتیم، آورده بودیم و سبب، که منافقین چه کسانی بودند و چه جنایت‌هایی کرده بودند. تبیین می‌کردیم که این‌ها قاتل چند هزار شهید هستند و تروریست... خلاصه روزها گذشت، تا رسیدیم به ایام ارتحال حضرت امام (ره) و سخنرانی رهبر در مرقد امام. آن روز حضرت آقا، مفصل از «دهه مظلوم ۶۰» گفت. از یک دهه تعیین‌کننده سرنوشت مردم در آزمون‌های سخت جنگ تحمیلی، اقدامات خشن تروریستی منافقین در کشور، تحرک تجزیه‌طلبان و اینکه در نهایت مردم با ایستادگی و تبعیت از رهبری امام، توانسته بودند توطئه‌ها را خنثی کنند. آن روز، آخرش حضرت آقا درباره انقلابی‌ماندن صحبت کرد. اینکه: «انقلابی‌گری، یعنی کشور و مسئولان تسلیم هیچ زورگویی نشوند، دچار ضعف نفس نشوند و فریب نخورند». گرای دوم راه آقا داده بود، اما باز یک عده فکر و ذکرشان قیمت دلار و سکه و شعارهای پوچ با کدخدا کنار آمدن بود! و در نهایت شد، آنچه شد...

■ عوامل امیدزایی که مظهر نشاط کشور است

این سالیان آخر که عملاً جنگ رسانه‌ای ما با دشمن تبدیل شده بود به جنگ روایت‌ها، رسانه‌های حقیقی و مجازی غربی یا طرفدار سبک زندگی غربی، روایتی از ایران و آینده‌اش به مخاطب ارائه می‌کردند، که گویی در ایران همه چیز آکنده به بدبختی و فلاکت است! مردم ایران چنان غرق در مشکلات هستند، که امیدی به آینده ندارند و ایران اسلامی ما، به محمل «تفرین زمین» میدل شده است! متأسفانه برخی افراد مغرض یا نادان نیز، در داخل همان سخنان دشمن را به‌اشکال مختلف تکرار می‌کردند. روایتی دروغ و وارونه از واقعیت ایران، که باید با آن بسا تمام وجود می‌چنگیدیم. در آن شرایط موتور محرک رسانه‌های دغدغه‌مند، بیانات مکرر و مداوم حضرت آقا درباره «امیدآفرینی» و «ایجاد نشاط در جامعه» بود. یکی از مفصل‌ترین سخنرانی‌های ایشان هم را نیز، بسا موضوع «امیدآفرینی» در روز اول فروردین ۱۴۰۳ شمس فرمودند: «عوامل امیدزا در کشور زیاد است، منابع مایع نظیر طبیعی، نیروی انسانی کارآمد، پیشرفت‌های علمی در حوزه صنعت، سلامت، هوا و فضا، فعالیت‌های تبلیغی و مدوام فعالیت‌های فرهنگی، در حوزه نویسندگی در زمینه تولید کتاب و مقالات و... این‌ها مظهر نشاط کشور هستند. برخی افراد غافل، هم منفی‌آمیزی می‌کنند و هم سعی می‌کنند امیدها را زائل نمایند! مثل اینکه کمین کرده‌اند، که روح امید را در جوانان از بین ببرند. آنها ضعف‌ها را، بزرگ‌نمایی می‌کنند. بسه‌جوان‌ها توصیه می‌کنند، جلوتر از نقشه دشمن حرکت کنید و نقشه‌هایش را خنثی کنید».

یک سال و چند سده بعدش در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۴۰۴ نیز، در سخنرانی حرم امام (ره)، دوبار از «امیدآفرینی» حرف زدند. در ابتدای سخنانش گفتند: «نظر به ولایت‌فقیه امام، غلظت‌یابی ایجاد کرد که مانع از انحراف انقلاب از اهداف دینی شد». و بعد با بیان ۳ اصل مهم «۱- مسأله مقاومت؛ ۲- مقاومت؛ ۳- تبیین و استقامت» برای مقابله با شایعه‌راکتی و دروغگویی‌های دشمن، فرمود: «ل‌ش‌الله کشور می‌تواند با عقلانیت و تلاش، به رفاه عمومی و پیشرفت برسد». حرف‌های آقا برای ما مثل نور امیدی بود، که انگیزه‌مان را برای شکستادن روایت دروغ و مخدوش دشمنان از ایران اسلامی بیشتر می‌کرد. دیگر می‌دانستیم که باید روایت پیشرفت و عزت ایران را به شکل انبوه تولید کنیم، تا در جنگ روایت‌ها بتوانیم ذهن بخشی از هموطنان‌مان را از اسارت دشمن و منفی‌بافی‌هایش آزاد نماییم.

■ کلام آخر

سخنان و هدایتگری‌های امام شهیدان را، که در لابه‌لای صفحات دفترچه یادداشت‌های ۲۷ سال گذشته‌ام نگاه می‌کنم، یک مسئله بیش از مسائل دیگر توجه‌ام را جلب می‌کند؛ اینکه «حضرت آقا» با رهنمودهایش ما را تربیت کرد. او رهبری بود که هم روحیه دینی و ایمانی را، روز به روز و سال به سال در وجود مردم زنده‌نگه می‌داشت و آن را تقویت می‌کرد و هم در ابعاد اداره کشور و حفظ آن از انحرافات و خطرات و راه را رسیدن به اهداف، هدایت‌مان می‌کرد. اصلاً برای همین قبل از شهادت فرمود: «مردم ایران درس‌های شیعی خود را بلد هستند». در واقع او در طول سالیان رهبری‌اش، مردم ایران را از مسیری بسیار دشوار و صعب، مر حله به مرحله عبور داد و به ما آموخت که باید برای پیشرفت چگونه بکوشیم و برای رسیدن به قله و برپایی تمدن نوین اسلامی و نهایتاً نیل به ظهور؛ چه مسیری را طی نماییم. اگر درس‌هایی که حضرت آیت‌الله العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای در طول ۳۷ سال رهبری‌اش به ما آموخت، را مداوم مرور کنیم و به عمل آوریم؛ قطعاً به آن قله‌ای که برایمان تصویر کرده است، می‌رسیم و چنین باد.



در آستان قدس